

کودکان آرزو

سخن سردبیر

می خواستم مختصر صحبت کنم و متنی هم نوشته شد بر همین مینا ولی نظر ها بر این بود که شاید کوتاهی بیش از حد هم مناسب نباشه و خلاصه اینکه، نه اینکه اعتماد به نفس کاذبی بر روانی قلم داشته باشم؛ صرفاً مجبورم!

نشریه!

شاید در نگاه اول مصداق بارز زدن خوشی، زیر دل عده ای دانشجو باشه...

دور هم جمع بشن و یک چیزی بنویسن و آخر سر هم هیچ کس نخوندش و نقطه سر خط!

اما چیزی که وسط این صحبت گمه شاید نقش اون بالاسری باشه

مگه غیر از اینه که اگر قراره مفهومی منتقل بشه اونکه منتقلش میکنه و اگر قراره اثری گذاشته بشه اونکه میذاره و ما و کارمون

و هر چیزی که هست همه هیچیم و اونکه برکت میده!

و همه ی امید اونجایی متبلور میشه که عنوانی که زیرش کار انجام میشه رو مبینی و دعا میکنی به برکت همون عنوان حال و هوای مدعیایی اصلیش رو به خودش بگیره ...

"یک روز به خودم گفتم: (اگر شهید بشم هیچ کس برام کاری نمی کنه؛ اصلاً کسی پیدا نمیشه برام پوستری طراحی کنه...

تو دل خودم خندیدم و باز گفتم: کسی برای تو از این کارها نمی کنه بچه جون...

خدا برامون یه کاری اندازه ی محبتمون بکنه (...)"

و این بار به یاد تو شروع می کنیم بلکه شرافتی قسمت ما از نقش تو شود ...



وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ...

برای شهید مدافع حرم هادی ذوالفقاری ...

به چشم هایشان که نگاه میکنی، قلبت فشرده می شود... فکر میکنی چرا؟! گمانم چون برای تو، یک کودک همیشه با طراوت و شادانه هایش، با لبخند و شیطنت های کودکانه اش به تصویر کشیده شده... نه با یک غم بزرگ و راز تلخ و مبهم درون چشم هایش، آن هم درست در وسط خشونت های شهر... کودکان کار چه کسانی هستند؟ کودکان کار به کودکان کارگری گفته می شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند که این امر سلامت روحی و جسمی آن ها را تهدید می کند و آن ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد.

* چه کاری از دستانتان برمی آید؟

درست در همان لحظه کمک زیادی از دست شما بر نمی آید اما ارزشمند ترین کار این است که آرام و صبور باشید و مثل یک انسان با آن بچه برخورد کنید. این بچه ها چیزی جز کلمات زشت نمی شنوند پس از کلمات مودبانه استفاده کنید. با آن ها با احترام برخورد کنید تا همیشه در ذهنشان بماند که اجتماع دشمن آن ها نیست.

در نهایت با ۱۲۳ تماس بگیرید، اگر میزان گزارش های مردمی از جایی تعدادش بالا باشد آن ها از بهزیستی تقاضای واحد جمع آوری متکدیان می کنند...

توجه داشته باشید که همه ی کودکان کار، چه آن هایی که در چهارراه های پایین شهر کار می کنند، چه آن هایی که در چهارراه های بالای شهر کار می کنند و حتی آن عده ای که در بازارها مشغول به گاری کشی و کارهای دیگر هستند را با یک دید قضاوت نکنیم.

از کودکانی که سرچهارراه ها می بینیم، عده ای که دارای نظم خاص و لوازم سازماندهی شده برای فروش هستند و عمدتاً در چهارراه های بالای شهر کار می کنند و مکان های ثابتی برای کار دارند علی

رغم اینکه معمولاً دارای سرپرست قانونی هستند؛ باز هم آسیب پذیرند چرا که همچنان از آموزش در مقاطع تحصیلی و تفریحات کودکانه محروم اند و معمولاً بدون اختیار و برای اداره کنندگان کار می کنند، اما درحال های کم رفت و آمد تر برخی از کودکان واقعا از روی نیاز و غیرت خود برای تأمین مالی

خانواده و حل مشکلات مالی آن مجبور به کار شده اند و به همه نباید با دیدی یکسان و پیش فرض سازماندهی شده بودن آنها نگاه کرد. بهترین راه حل در مواجهه با این کودکان آموزش به آن ها برای

جلوگیری از تداوم این نوع زندگی در نسل های بعدیشان و استفاده از فرزندانشان در این راه است. هیچ کودکی زشت نیست و همه ی آن ها مستحق داشتن دنیایی زیبا هستند؛ هر کودکی که متولد می

شود، نشانه ای از تداوم امید خداوند به بندگانش در روی زمین است... دیده می شویم...

پس پولی که به آن ها می دهید و تمام کردن چیزهایی که دستشان است باعث نمی شود آن ها را به خانه بفرستند بلکه به محض تمام شدن یک بسته چسب، بسته ی دیگری به آن ها داده می شود.

* سلامت جسمی آن ها را تهدید می کند ... پس به آن ها خوراکی بدهید. اکثر این بچه ها سوء تغذیه دارند. اگر به آن ها پول بدهید ازشان می گیرند. سعی کنید برایشان خوراکی های مقوی بخرید و مطمئن شوید که می خورند. مثلاً بسته ی کوچک شیر یا موز، ساندویچ گوشت یا مرغ، نارنگی یا پرتقال.

از خوراکی های دست خورده کودکان به آن ها نبخشید! مثلاً نصفه ی بستنی خود را به دستشان ندهید. برای آن ها ارزش قائل شوید.

* سلامت روحی آن ها را تهدید می کند ... پس به آن ها بی اعتنائی نکنید. راهتان را تکشید و بروید. شیشه ماشین را بالا ندهید. این کارها باعث می شود آن بچه با تفر از اجتماع بزرگ شود.

عقد ه های حقارتی که در شاکله فکری و تصویری این کودکان انباشته می شود آینده بفرنجی را برای آن ها دربر خواهد داشت.

صبور باشید و توضیح بدهید که آن وسیله را لازم ندارید. خشونت به خرج ندهید چرا که آن بچه بزرگ می شود و خشونت را به جامعه برمیگرداند.

نگذارید از شما گدایی کنند بلکه مانند یک فروشنده با آن ها برخورد کنید. یعنی همانگونه که شما به فروشنده توهین نمی کنید، ترحم نمی کنید و او را مسخره نمی کنید با این کودکان هم

مثل یک فروشنده محترم برخورد کنید. اگر التماس می کنند توضیح بدهید که باید جنسشان را ببینید که آیا لازم دارید یا نه و اگر واقعا لازم دارید آن کالا را بخرید و همینطور در صورتی که قیمت آن منطقی است خرید کنید.

اگر نمی خواهید چیزی بخرید آن ها را اذیت نکنید. اگر قصد کمک دارید ترجیحاً کمک غیر مادی بکنید نه اینکه اگر چندی هزارتومانی را می خرید بگویید بقیه ی پول مال خودت.

سرمایه و عدالت

افراد دارای تمکن مالی می شود که عملاً آنها درون خودشان و نه تمامی افراد جامعه برای قبولی به رقابت می پردازند، فرصت برابر تحصیل و شایسته سالاری را نادیده میگیرد.

یا با بورس کردن افراد در ازای تمهد به کار سرمایه دار اولیه به استثمار افراد و استعداد های بدون بضاعت مالی می پردازد و سودی که باید به آن فرد که عضوی از جامعه است برسد اضافه به سیستم سرمایه می شود و عملاً شکاف بین طبقات را افزایش میدهد.

که دور از شان نظامی اسلامیست. پس از اعتراضات و ناراضی ها، سرپرست وزارت بهداشت دکتر نمکی دستور بازنگری در این طرح را صادر کرد هر چند از همان ابتدا به نظر می رسید که شاید این ایرادات در ذات و مبنای فکری این طرح

نهفته و راهی برای اصلاح آن وجود نداشته باشد که به تبع آن پس از به وزارت رسیدن ایشان و به دنبال تشدید اعتراض ها خبر لغو مصوبه ورود بخش خصوصی به آموزش علوم پزشکی منتشر شد...

پس از اخبار منتشر شده مبنی بر خصوصی سازی آموزش مراکز پزشکی اعتراضات پراکنده ای توسط دانشجویان در دانشگاه های مختلف دیده شد. در نگاه اکثر این افراد اعتراض بر مبنای از بین رفتن بازار کار توسط این طرح با افزایش تعداد پزشکان و یا به خطر افتادن جان افراد با امکان تربیت افراد نالایق در این طرح مطرح بود.

اما موضوع مهم تر که حلقه ی مفقوده ای در این اعتراضات است شاید از بین رفتن اصل عدالت آموزشی و افکار لیبرال پشت این طرح باشد.

اگر عدالت آموزشی را امکان دستیابی یکسان و برابر تمامی افراد جامعه از تمامی طبقات آن به تحصیل در دانشگاه بر مبنای استعداد و متناسب شرایط آنها بدانیم، که امروزه با وجود دانشگاه های دولتی و ایجاد سهمیه ی مناطق سعی در به ثمر رسیدن آن است خصوصی سازی شاید

پشت پای نظام سرمایه به این اصل باشد. در چنین دانشگاه هایی که رقابت برای پذیرش در آن ناخودآگاه منجر به ایجاد گروهی جدید از





حکمت

حضرت علی(ع) فرمودند :

هرگز ملتی به قداست و پاکی نخواهد رسید مگر آنکه در میان آنها حق ضعفا از اقویا و نیرومندان بدون لکت و پروا گرفته شود ...

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شاهد

سردبیر: علیرضا باروج

طراحی و صفحه آرایی: داوود دلایل

تحریریه: علیرضا باروج، داوود دلایل، زهرا قربان نیا، فاطمه حسن زاده

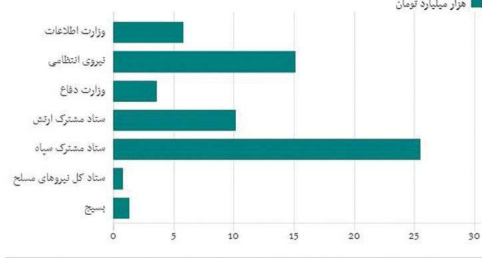


گزارش هفتگی

امروزه در اکثر مباحث شاهد نقدی بی مسئولیت و کلی گو هستیم که همه چیز را به همه چیز ربط میدهد تا در انتها تنها چیزی که نمره ی دقایق از دست رفته در آن مدت است برآشتگی، یاس و ناامیدی باشد
پیکان چنین پارادایم های فکری این روزها بیشتر از همه به سمت ارقام لایحه ی بودجه و به طور مشخص تر مقایسه بخش دفاعی و دیپلماسی عمومی آن با دیگر بخش ها چرخیده و به تبع آن نیاز به بحث درباره ی برخی موضوعات از قبیل اصل لزوم بنیه دفاعی و مقایسه اعداد ارقام موجود در آن و نتیجه حاصل از آن که به بررسی کارآمدی و یا عدم کارآمدی سیستم دریافت کننده این ارقام منجر می شود را ضروری میکند...

شاید بتوان امنیت را "نه به تنهایی" ولی "مقدم ترین" عامل برای توسعه ی یک کشور چه از لحاظ جذب سرمایه ی خارجی در برخی الگو های توسعه و چه در عرصه خودکفایی در برخی دیگر برای کشوری با چنین موقعیت حساس ژئوپلیتیک در منطقه ی نا امن غرب آسیا که "مستقل" از هر حلقه ی اتحاد یا به اصطلاح ابرقدرت ها منطبق با منافع ملی خود و آرامشپاشی در صحنه ی بین المللی تصمیم میگیرد و تأثیر گذاری میکند، دانست

طبق لایحه ی بودجه سال ۱۳۹۸ بودجه امور دفاعی و امنیتی ۱۰/۹ درصد از مصارف بودجه عمومی دولت را به خود اختصاص می دهد که در این میان تقسیم هزینه طبق جدول رو به روست ...



که این ارقام طبق آمار "انستیتیو بین المللی پژوهش های صلح استکهلم" در مقایسه با برخی دیگر از کشورهای غرب آسیا در سال ۲۰۱۷ میلادی به شرح زیر است

کشور	بودجه دفاعی در سال ۲۰۱۷ (میلیارد دلار)
عربستان سعودی	۶۹/۴
امارات متحده عربی	۲۳ (آمار سال ۲۰۱۳)
ترکیه	۱۸/۲
اسرائیل	۱۶/۵
ایران	۱۴/۵
عمان	۸/۷
عراق	۷/۴

اما در عمل محل آزمون کارآمدی ارگان های دفاعی را میتوان در مسائل جنگ های نیابتی در عراق و سوریه و محور مقاومت بررسی کرد

وزارت دفاع رژیم صهیونیستی در پائیز سال ۱۳۹۵ کمک مالی ایران به حزب الله را ۸۰۰ میلیون دلار اعلام کرد که نفوذ استراتژیک حاصل از این رابطه برای ایران که بیشتر جنسی معنوی و ریشه در قلب جوانان مومن مقاومت و نه مادی دارد را نمی توان قابل مقایسه با هیچ سخت افزار نظامی و سیستم تحجیمی دانست



و اما درباره ی سوریه

چک لو وزیر امور دارایی ایالات متحده در زمان باراک اوباما هزینه ی ایران در سوریه را کوچک شمرد



باراک اوباما نیز در این باره در مصاحبه ای تلویزیونی این چنین بیان کرد

"خطر ایران به علت پولدار بودنش نیست بودجه دفاعی ایران سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار است در حالی که بودجه دفاعی کشورهای خلیج فارس ۱۵۰ میلیارد دلار است ..."



طبق آمار دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه "استفان دی میستورا" ایران به طور متوسط سالانه ۶ میلیارد دلار در سوریه هزینه می کند

و اما نتیجه این هزینه نسبتا اندک همراه با خواست مردم سوریه و روحیه ی شهادت طلبی نیرو های مقاومت در برابر دلار های نفتی و عزم ایالات متحده و اروپا از موضع قطعی برکناری بشار اسد به صف کشور ها برای بازگشایی سفارت خود در دمشق رسیده است و هدف پایانی شروع این ناامنی ها که جمهوری اسلامی ایران بود امروز عملا بلا موضوع است

و در عراق قدرت مرجعیت و هم بستگی شیعی دولت متجلی در راهپیمایی اربعین در برابر هزینه هفت تریلیون دلاری آمریکا در این منطقه نتیجه ای جز محبوبیت سرداری که در خیابان های عراق سلفی میگیرد در برابر دلت مقامات آمریکایی نداشته آنجا که دونالد ترامپ در سفر اخیر خود به آن کشور اینگونه بیان می کند



مایه تأسف است که هفت تریلیون دلار در خاور میانه هزینه کردیم ولی مجبور شدیم به دلایل امنیتی دو بار سفرم را به عراق لغو کنم. این بار هم زمان فرود هواپیما همه ی چراغ ها را خاموش کردند. هیچ نوری نبود، در عمرم در چنین محیط تاریکی نبودم ...

و در آخر همه گفته ها شاید تنها یادآور این آیه از قرآن کریم باشد

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُتَوَلَّوْنَ...

غرب زدگانی که وعده ی رهبران الهی را نمی فهمند...

۱۱ دی سی امین سالروز ارسال نامه ی آیت الله خمینی به گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. در دوران اوج جنگ سرد که بی طرفی بی معنا و بلوکی به جز شرق و غرب و قدرتی به جز ایالات متحده و شوروی در اذهان تعریف نشده بود.

در غرب آسیا (خاورمیانه) به رغم مسلمان بودن اکثر کشور ها نفوذ کمونیسم بسیار پر رنگ تر از لیبرالیسم بود. و در همان زمانی که تفکرات مارکس ذهن توده ای عظیم از روشنفکران و دانشگاهیان را آلوده کرده بود اندکی پس از پایان جنگ ایران و عراق آیت الله خمینی نامه ای خطاب به رهبر شوروی نوشت و با صحبت از توحید، اومانیسم که منشا فکری هر دو جریان غالب بود را به نقد گرفت.

"جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم چوایکوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد"

در جواب این نامه هفتم اسفند ماه ادوارد شوارد نازده، وزیر خارجه شوروی، به تهران آمد و جوابی که بدون توجه به ماهیت فلسفی و ایدئولوژیک نامه نوشته شده بود و صرفا به بیان مواضع دیپلماتیک شوروی می پرداخت را در آخرین دیدار عمومی امام(ره) سه ماه پیش از فوت ایشان ابلاغ کرد.

تنها سه سال از این مکالمات می گذشت که شوروی سقوط کرد و گورباچف که هشدار این امر را نادیده گرفته بود بعد ها با اظهار تأسف در سالگرد آیت الله خمینی گفت

"مخاطب پیام آیت الله از نظر من، همه اعصار در طول تاریخ بود." و وعده ی نابودی اسرائیل نیز وعده ایست که باز هم برخی رو شنفکران نفهمیدند. اما در دل تمام موحدین عالم روشن است که منطبق بر سنت حق الهی "اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید"

انشالله...

معرفی کتاب

"تصمیم بر آن شد که از هر اختلافی درباره ی چگونگی انجام کار چشم پوشی کنند. برخی از ما معتقد بودیم که باید به سیاه ملحق شد و به هر آنچه ایرانی ها انجام می دهند ملتزم باشیم. تماس هایی برای رتق و فتق و اداره ی این وضعیت صورت گرفت. تصمیم نهایی این بود که لبنانی ها باید خودشان جلسه بگذارند و بر یک سند یا نامه، یا طرحی معین، متفق القول شوند و در ادامه به ایران بروند و این موضوع را به مسئولان و حضرت امام تقدیم کنند و امام نیز تکلیف را معین کنند.

سه تن از علما، سه تن از اهل اسلامی و سه تن هم از حزب الدعوة انتخاب شدند تا جلسه بگذارند و شروع به نوشتن این سند کنند. چند هفته جلساتی برگزار کردند و رونوشتی تهیه شد.

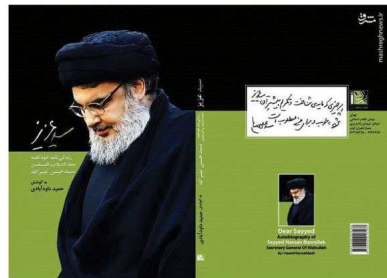
برخی پیشنهادشان این بود که این تشکیلات را (سیاه پاسداران انقلاب اسلامی لبنان) بنامند؛ برخی دیگر پیشنهاد دادند که (جنبش اسلامی لبنان) نامیده شود.

و سرانجام هم قرار بر اسم دوم شد که آخرش هم نشد! "

متن بالا قسمتی از کتاب سید عزیز زندگی نامه ی خود گفته ی حجه الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله بود. که حاصل پیاده کردن ۶ ساعت خاطرات و زندگی خود گفته ی دبیر کل فعلی حزب الله لبنان به کوشش حمید داوود آبادی است. این کتاب از زندگی شخصی و کودکی سید حسن و اوضاع خانواده آن شروع شده و به موضوعاتی هم چون دوران مبارزات و تحصیل ایشان در نجف و ماجرای دبیر کلی و شهادت پسر ایشان می پردازد.

هم چنین شرایط جنگ داخلی لبنان و تحولات سیاسی گروه های مبارز در لبنان از تغییر هویت جنبش امل تا چگونگی تشکیل حزب الله و نقش سفارت ایران و سیاه جمهوری اسلامی در آن و نوع رابطه بین انقلاب با این گروه در این کتاب به خوبی توضیح داده شده است و خاطراتی و تاریخچه ای از شروع عملیات های شهادت طلبانه و جنگ اسرائیل و لبنان در آن آمده است...

این کتاب منتشر شده در انتشارات یازهرا در اسفند ماه سال ۱۳۹۵ به چاپ هشتم خود رسید ...



خطبای
رع
پیش